

همدلی و همدردی اسلامی و پرهیز از تنش ها و منازعات

دکتر محمود ویسی: نویسنده مسئول

سمیه امینی: نویسنده

چکیده

تاریخ زندگی بشر از همان ابتدا همراه با نزاع، جنگ و خونریزی بوده است. به همین سبب باعث خسارت های مالی، روحی روانی و جانی فراوانی شده است. برقراری صلح و رفع منازعات همواره دغدغه بشر بوده است. از این رو، دانشمندان بسیاری نظریه های متعددی را مطرح کرده اند. برخی از سردمداران دولت ها، حکومت ها و اندیشمندان از صلح سخن گفته اند، صلحی که گاهی در آن جنگ، خونریزی، غارت مجاز دانسته شده است. اما دین مبین اسلام با ارائه راهکارهای برگرفته از کتاب و سنت، حل مساله را برای رفع جنگ و نزاع ها در جوامع بشری ارائه می دهد که با پیروی از آن می توان جوامع جهانی را در پرتو صلح مدیریت کرد. برای درک این مهم نیازمند بررسی دقیق راهکارها و روش عملیاتی کردن آن ها در عرصه ی اجتماع هستیم. همدلی و همدردی اسلامی و پرهیز از تنش ها و منازعات یکی از راه های عملی رسیدن به وحدت و همگرایی اسلامی و در نهایت صلح و سازش می باشد. این مقاله می کوشد با استفاده از آیات قرآن کریم و احادیث پیامبر خدا و روش توصیفی - تحلیلی به بررسی ارتباطات معنایی و نقش آن در تحکیم وحدت اسلامی بپردازد چرا که اسلام ابعاد و محورهای مختلف ارتباطی انسان را مورد توجه قرار داده است و محور اصلی تنظیم روابط انسانی و سامان بخشیدن به آن را؛ همدلی و همدردی می داند که از خانواده آغاز می شود و به جامعه می رسد و این خود مقدمه عدم منازعه و تنش و تشنج و بحران می باشد. دین اسلام مهم ترین مبنای فکری خود را احسان و همدلی قرار

داده است و قرآن کریم در فراخوانی عمومی، جامعه را دعوت به صلح می کند.

کلید واژه: همدلی، همدردی، صلح، تنش، نزاع.

مقدمه و تبیین مفاهیم

همدلی و همدردی اسلامی مقدمه ی پرهیز از تنش ها و منازعات بوده و حلقه ی گمشده ی ارتباطات مسلمانان در جامعه ی اسلامی فراتر از هر مذهب و تفکری می باشد، چرا که دین مبین اسلام سراسر دعوت به صلح و آشتی و وحدت می باشد. برای رسیدن به این مهم لازم است مفاهیم و آیات و احادیث مرتبط با این موضوع تبیین و توضیح داده شود.

همدلی و همدردی

این دو واژه، علی رغم تفاوت های اساسی، از شباهت ها و نزدیکی های مفهومی نیز برخوردارند که باعث می شود در بسیاری از موارد به جای هم به کار گرفته شوند. همدلی و همدردی، مهارت های منحصر به فردی هستند که در موارد ضروری، کاربرد خاص خود را دارند. مجهز بودن به دو مهارت همدلی و همدردی مستلزم مهربان بودن، شفقت ورزی و دلسوزی است که در نهایت منجر به همگرایی افراد جامعه می شود.

تعریف همدلی

به معنای درک دنیای شخصی طرف مقابل است، طوری که احساس کنیم دنیای خود ماست. همدلی یعنی حس کردن خشم، ترس، نگرانی و سردرگمی طرف مقابل، بدون این که خودمان خشمگین شویم و بترسیم و نگران یا سر در گم شویم. با مهارت همدلی، افراد قادر خواهند بود از دریچه چشم دیگران به دنیای اطراف خود بنگرند.

تعریف همدردی

بر اساس مباحث مربوط به هوش هیجانی، همدردی از دو جنبه شناختی و احساسی برخوردار است لذا در مواقع کاربرد احساسی - عاطفی، به جای همدلی می توان از همدردی استفاده کرد. بدین ترتیب در همدلی جنبه شناختی و در همدردی جنبه احساسی - عاطفی مورد توجه است. این تمایز، در کاربرد دقیق و مناسب این مفاهیم نیز موثر است.

همدلی و همدردی اسلامی

بعد از تعریف همدلی و همدردی و شناخت تفاوت‌های این دو از هم، لازم است دیدگاه اسلام توضیح داده شود.

در قرآن کریم، ۱۴۰ بار از مشتقات واژه «سلم» استفاده شده است، اهل لغت در معنای این واژه اختلاف دارند. برخی می‌گویند «سَلِم» به کسر «سین» به معنای «صلح» بوده، و به فتح «سین» معنایش «تسلیم» و «اطاعت» است. بعضی گفته‌اند به فتح «سین» معنایش صلح، و به کسر «سین»، «اسلام» است. (ابوالفتوح رازی (۱۴۰۸ش) ج ۳، ص ۱۶۳.
راغب اصفهانی می‌گوید: «السَّلَامُ وَ السَّلْمُ وَ السَّلْمُ»؛ یعنی صلح. راغب اصفهانی، (۱۴۱۲ ق) ص ۴۲۱.

«سلم القوم»؛ یعنی آن قوم با هم آشتی و توافق کردند. (فرهنگ أبجدی عربی - ص ۵۸، واژه «سلم» همچنان که از واژه‌ی اسلام پیدا است، دعوت اسلام به سوی صلح و سازش و پرهیز از مناقشه می‌باشد. آیات و احادیث بسیاری در این زمینه موجود است که به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد.
پیامبر خدا فرمودند: «الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِنْ أَشْتَكَى شَيْئاً مِنْهُ وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ الْبَدَنِ»؛ مؤمنین برادر همدیگر و همچون اعضای یک پیکرند؛ و هنگامی که عضوی ناراحت و بیمار شود همه اعضا، آن ناراحتی را احساس می‌کنند» (بحارالانوار؛ ج ۶۱؛ ص ۱۴۸؛ ح ۲۵)
و به قول سعدی شیرازی:

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی
(گلستان سعدی؛ باب اول؛ حکایت دهم).

طبق این روایت مسلمانان سراسر جهان بسان پیکر یک انسانند، اگر مسلمانی در گوشه‌ای از دنیا ناراحت و بیمار گردد و مشکلی برایش ایجاد شود دیگر مسلمانان باید از آن متأثر شده و در حل آن بکوشند. وظیفه هر مسلمانی است که در مقابل مشکلات سایر مسلمانان بی تفاوت نباشد، و به هر شکل ممکن در مسیر حل مشکلات آنها قدم بردارد. بعد از بیان مفاهیم به بررسی محور

اصلی مقاله که همدلی و همدردی اسلامی و پرهیز از تنش ها و منازعات می باشد؛ می پردازیم تا نقش آنها در تحقق همگرایی و زدودن تنش ها و منازعات بیش از پیش مشخص گردد.

همدردی و همدلی؛ فضیلت مهم اخلاقی در ارتباط با مردم

از تقسیماتی که از مجموع آیات قرآن استفاده می شود این است که اصول اخلاق را می توان در چهار بخش خلاصه کرد مسائل اخلاقی در ارتباط با خالق، مسائل اخلاقی در ارتباط با مخلوق، مسائل اخلاقی در ارتباط با خویشان و مسائل اخلاقی در ارتباط با جهان آفرینش و طبیعت، که تواضع و فروتنی، ایثار و فداکاری، محبت و اخلاق نیکو، همدردی و همدلی و مانند آن، از گروه دوم می باشد. (اخلاق در قرآن؛ ج ۱؛ ص ۱۰۴)

انفاق مؤثر و پایدار با حفظ کرامت انسانها؛ نمونه عینی همدلی و همزبانی

اصولا انفاق در راه خدا، و کمک به نیازمندان و حمایت از مصیبت دیدگان با حفظ کرامت انسانها، مصادیقی از جهاد هستند، چون سبب استقلال و سربلندی جامعه اسلامی است. (تفسیر نمونه؛ ج ۲؛ ص ۲۲۵).

آنها که اموال خویش را در راه خدا انفاق می کنند با صرف مال در کارهایی که نفع اجتماعی دارد رفاه و آسایش عمومی را فراهم می سازند، این انفاقها پشتیبان و مددکار آنها خواهد بود و از آن استفاده خواهند کرد؛ زیرا انفاق کنندگان واقعی کسانی هستند که تنها برای خشنودی خدا و پرورش فضایل انسانی و تثبیت این صفات در جان خویش و همچنین پایان دادن به اضطراب و ناراحتیهای مردم مصیبت زده اقدام به انفاق می کنند. (اسلام و کمکهای مردمی؛ ص ۵۰).

یکی از آداب دین مبین اسلام که تأکید فراوانی نسبت به آن شده، موضوع همدلی و یاری رساندن به دیگر افراد جامعه است، تا جایی که بی تفاوتی نسبت به امور دیگر مسلمانان موجب خروج از اسلام شمرده شده است. پیامبر در حدیثی فرمودند: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (الكافی، ج ۲، ص ۱۶۳) هر کسی که صبح کند و اهمیتی به امور مسلمانان نداشته باشد، مسلمان نیست. «مسلمان واقعی به یاد هم نوع خود است و هرآنچه را برای خود دوست دارد برای دیگر مسلمانان هم دوست دارد.

کمک کردن قشر ثروتمند و دارا، به مردم و قشر آسیب دیده، کاری ضروری، بسیار بزرگ و خیرخواهانه‌ای است اما به این معنا نیست که قشر متوسط و ضعیف از این کار خیر کنار بکشند، بلکه هر کسی به اندازه توان خویش باید در این همدلی و کمک مؤمنانه مشارکت داشته باشد تا مشمول آیه کریمه قرار گیرند که می‌فرماید: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ (شما هرگز به مقام نیکوکاران و خاصان خدا نخواهید رسید مگر از آنچه دوست می‌دارید و محبوب شماست در راه خدا انفاق کنید، و آنچه انفاق کنید خدا بر آن آگاه است) (آل عمران: ۹۲).

مواسات: انجام برترین اعمال نیک

مواسات، همدلی و همراهی با دیگران، ندایی برخاسته از فطرت بیدار آدمی است که از بهترین جلوه‌های اعمال نیک به شمار می‌رود؛ چنان‌که پیامبر خدا خطاب به امام علی علیه السلام می‌فرماید: «سَيِّدُ الْأَعْمَالِ إِنْصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ وَ مُوَاَسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ وَ ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ» (الکافی، ج ۲، ص ۱۴۵) برترین اعمال عبارتند از: حق دادن به مردم از طرف خودت (رعایت انصاف) و همدردی با برادر دینی‌ات در راه خدا و ذکر خدای - عز و جل - در هر حال» و همچنین مواسات و همدلی در کلام امام علی علیه السلام به عنوان بهترین نوع کار نیک آمده است؛ چنان‌که ایشان فرمودند: «أَحْسَنُ الْإِحْسَانِ مُوَاَسَاةُ الْإِخْوَانِ» (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۷، ص ۲۱۰). بهترین احسان، همدردی و همیاری با برادران است». بنابراین همه مردم از تمامی اقشار جامعه با همدلی و مواسات نسبت به گروه آسیب دیده، می‌توانند باعث گسترش سنت حسنه انفاق و برادری، شده و علاوه بر بهره‌مندی از برکات فراوان در زندگی، رضایت و محبوبیت الهی را نیز کسب کنند.

جدال احسن

گفتگوی آرام و مستقیم میان دوگروه از اشخاصی است که نسبت به موضوعی باهم اختلاف نظر دارند، که باید به صورت آرام و منطقی، به دور از تعصب و تنگ نظری طوری که احترام طرف مقابل حفظ شود، صورت گیرد. هدف از جدال باید، رسیدن به حقیقت از رهگذر تبادل افکار و اندیشه‌ها باشد، و نیز باید کمک و همکاری میان طرفین صورت گیرد تا دست یابی به یک حقیقت

واضح و آشنایی با آن و تفصیل آن میسر گردد. لذا زمینه دگرپذیری و همگرایی هموار شده و وحدت و اتحاد تحقق می یابد.

قرآن کریم با استفاده از لفظ مجادله نیکو، به یک گفتگوی سازنده میان دو گروه گه با هم اختلاف دارند، اشاره کرده است:

﴿وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (و با آنان به نیکوترین شیوه به بحث (و مجادله) پرداز) (نحل: ۱۲۵).

اهمیت گفتگو در اسلام

اسلام نسبت به موضوع "بحث و گفتگو" اهمیت و اولویت خاص بخشیده است، و چنان که گفته شد هدف از بحث، گفتگو میان اشخاصی است که در فکر یا بعضی موضوعات دیگری باهم اختلاف نظر دارند، با هم اختلاف داشتن غیر از مخالف یکدیگر بودن است و بدون شک کیفیت و چگونگی گفتگو بر طرفین آن تاثیر مثبت یا منفی می گذارد. از همین لحاظ ارزش گفتگو از لابلای موضوعات مختلف آشکار می گردد که از آن جمله: گفتگو تبادل اندیشه یگانه راهی است که از طریق آن، قناعت طرف مقابل برای پذیرفتن فکر درست حاصل می گردد و نیز از طریق آن، طرفین گفتگو به قلب همدیگر راه می یابند.

تفاهم و دگرپذیری: گفتگو راه مؤثری برای رسیدن به تواصل و تفاهم و دگرپذیری در میان مردم است، پس شایسته نیست که با مردم تعامل نادرست و گفتگوی غیر سازنده داشته باشیم زیرا چنانچه آمد، مذاکره، بهترین راه برای تعارف و ایجاد محبت و الفت میان مردمان است و اساس دین و دعوت اسلامی بر محبت و شناخت متقابل آحاد جامعه از یکدیگر بنا شده است.

پیشگیری از جنگ و درگیری و منازعه: گفتگو کارآمدترین روش و برنامه، برای جلوگیری از حوادث و جنگ هاست، و اگر گفتگوی عقلانی نباشد چه بسا جنگ های خونین و بی شماری صورت گیرد و چه تعداد انسانهایی که بی گناه، کشته شوند. جنگ بسوس (جنگ تاریخی میان قبایل تغلب بن وائل و بنی شعبان بن ثعلبه) نمونه خوبی برای اثبات چنین ادعایی ست، پس از این که این دو قبیله به مدت ۴۰ سال به قتل و کشتار همدیگر مشغول بودند، در نهایت تن به مذاکره دادند و باهم نشست و مشکل خود را حل کردند، چرا که به این حقیقت دست یافتند که اتحاد و همزیستی مسالمت آمیز را راز قدرتمندی و منازعه و کشمکش را عامل ضعف و نابودی مال و جان

و سرمایه‌های انسانی می‌باشد همچنانکه قرآن فرموده: ﴿...وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ...﴾ که با هم نزاع نکنید که سست می‌شوید و عزت و آبرویتان از میان می‌رود. اتمام حجت: یکی دیگر از اهداف گفتگو، اتمام حجت، دفع شبهات و تمییز رأی درست از رأی باطل و سره از ناسره است، و چنین کاری تنها با استدلال درست و استمداد از شواهد متناسب با موضوع ممکن است که طرفین نزاع را به نظر درست و صواب برساند. دعوت: مهمترین و با ارزش‌ترین هدف مناقشه و گفتگو در مورد اسلام، دعوت مخالف و ارشاد او به سوی حقیقت و روشنی اسلام است تا اینکه با عقل خود به منطق اسلام ایمان بیاورد و بوسیله گفتگوی آرام، قانع گردد که اسلام راه درست و مستقیم است، اینگونه است که گفتگوی آرام قلبها را می‌گشاید و عقل‌ها را به قناعت می‌رساند و نفس‌ها را آرامش می‌بخشد. نزدیک‌سازی و تقریب دیدگاه‌ها: از مهمترین ثمرات گفتگو کاستن فاصله میان دیدگاه‌ها و نزدیک‌سازی آنها به یکدیگر است تا اینکه بساط اختلاف و تضاد از سینه‌های آنان به کلی برچیده شود و از رهگذر گفتگوی آرام به یک راه حل وسط و مورد قبول همه، دسترسی حاصل گردد و قناعت تحقق یابد.

آداب گفتگوی مطلوب و مؤثر

برای اینکه گفتگو موفقیت‌آمیز و روشمندانه صورت گیرد و بر قلب‌ها و عقل‌ها تاثیر مثبت بگذارد، لازم است تا مبتنی بر آداب و روشهای برنامه‌ریزی شده باشد که مهمترین آنها عبارتند از: لازم است تا نیت و مقصود طرفین گفتگو، رسیدن به حقیقت و آشکار سازی آن باشد، نه اینکه نظر شخصی صرف نظر از درست یا خطا بودن آن، تحمیل شود و نیز شایسته نیست که گفتگو برای اظهار توانایی و قدرت استدلال و مشهور ساختن خود باشد که در اینصورت خطر ریا به میان می‌آید. همچنین صحیح نیست که هدف از گفتگو تنها ایجاد جدل و اختلاف باشد. امام شافعی - رحمه الله - گفته است: "با هیچ‌کسی بحث و مناقشه نکرده ام مگر اینکه آرزو کردم خداوند متعال طرف مقابلم را در اظهار حق و رای متین و محکم کمک و معاونت کند. شایسته است که هنگام طرح نظر و رد نظر طرف دیگر، از نرمش و حسن خلق استفاده گردد، تا بدینگونه اثر فوری بر ذهن او بگذارد و چنانچه متکلم به نرمش و آرامی سخن بگوید طرف مقابل با سکوت و حوصله مندی به سخنانش گوش فرا

می دهد. ضابطه و اصل دیگر مجادله فراگیری فن گوش فرادادن به نظر دیگری است، و چنانچه اظهار نظر با آرامش همراه باشد، طرف مقابل را مجذوب و شیفته می سازد.

اما اصل مهم مجادله، آگاهی کامل نسبت به موضوع مورد بحث است، شایسته نیست که فرد بدون آگاهی وارد بحث گردد و بدون آگاهی، در موضوع سخن گوید. این اصل، شرط مهم موفقیت و رسیدن به هدف است اما سخن گفتن در مورد موضوعی که از آن آگاهی ندارد جز ضایع کردن وقت چیز دیگری در پی ندارد که هیچ فایده ای آن حاصل نمی گردد بلکه اکثر اوقات نتیجه عکس و خلاف توقع به دنبال دارد. شایسته است که گفتگو، مبتنی بر دلیل و برهان منطقی و صحیح باشد تا روشمندان به پایان برسند.

مرجع حل تنازع در قرآن و همگرایی

آیات ۵۹ تا ۶۵ سوره نساء یکی از روشن ترین مستندات و جوب رجوع به حکم مشروع الهی به هنگام تنازع است. قرآن در این آیات، ابتدا می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ...﴾.

ای اهل ایمان از خدا و رسولش اطاعت کنید و همچنین از اولیای امورتان و چنانچه در چیزی دچار اختلاف شدید آن را به خدا و رسول برگردانید.

از ﴿فَإِن تَنَازَعْتُمْ﴾ معلوم می شود که موضوع این آیه تنازع است نه تفاوت. می فرماید: اگر درباره چیزی نزاع پیدا کردید، برای حل آن به خدا و پیامبر مراجعه کنید؛ نه اینکه در باره هرچه تفاوت نظر داشتید، فکر خود را تعطیل و تحلیل خود را کنار بگذارید و ببینید آنها چه می گویند. حاکم مسئول جلوگیری از تنازع و حفظ اتحاد و انسجام عملی جامعه است نه مسئول یکسان سازی اجباری افکار و سلیقه ها.

تنازع های احتمالی در جامعه اسلامی بر دو نوع است؛ گاهی راجع به احکام شرع است و گاهی راجع به موضوعات روزمره اجتماعی. گاهی مثلاً نمی دانند که فلان چیز حلال است یا حرام؟ جهاد با بغاة واجب است یا نه؟ گاهی هم مثلاً نمی دانند که فلان گروه باغی محسوب می شوند یا نه؟ یا قاتل با فلان گروه باغی در این زمان واجب است یا نه؟

برای دفع تنازع نوع نخست باید به خدا مراجعه و از امر او اطاعت کرد، و برای دفع تنازع نوع

دوم به رسول و اولوالامر که از جانب خدا مسئول اداره جامعه هستند. باید مراجعه نمود. دلیل تکرار امر به اطاعت نیز همین است. قرآن ابتدا دستور می‌دهد که مدعیان ایمان باید اطاعت از هر دو نوع حکم را بر خود واجب بدانند. سپس به این پرسش احتمالی پاسخ می‌دهد که اگر در خود این احکام تنازع شد، چه باید کرد؟

می‌فرماید: ﴿فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ﴾ (نساء: ۵۹). مراجعه به خدا، یعنی مراجعه به کتاب خدا و مفسران رسمی آن که باز هم رسول و اولوالامر خواهند بود. سپس با لحن تهدیدآمیزی می‌افزاید: اگر واقعاً ایمان به خدا و قیامت دارید وظیفه شما این است و عمل به این قاعده نیز به سود شماست. قرآن دستور می‌دهد: به هنگام پیدایش تنازع به کسی مراجعه کنید که حجت خدا بر شماست؛ و نه هیچ کس دیگری! زیرا هر کس دیگری جز او طاغوت است. لذا در آیه بعد می‌فرماید: «آیا به کسانی که گمان می‌کنند به آنچه بر تو و پیش از تو نازل شده ایمان آورده‌اند، آیا نگاه نکرده‌ای که می‌خواهند در موارد نزاع و اختلافشان داوری و محاکمه نزد طاغوت برند؟

یعنی آنان که به هنگام تنازع رو به غیر حجت خدا می‌آورند، «خیال می‌کنند» که ایمان دارند ﴿يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا﴾، و در آیات بعد چنین کسانی را منافق می‌نامد و در پایان تصریح می‌کند که وجوب ارجاع تنازع به مرجعی که مقرر شده، مقتضای نشانه ایمان واقعی است: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِي مَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (۱. نساء: ۶۵). به خدا سوگند به تو ایمان نمی‌آورند تا اینکه تو را در منازعاتشان داور قرار دهند و به نسبت داوری تو احساس حرج و تنگی نمایند و با تمام وجود تسلیم گردند.

صلح

در لغت به معنای قطع نزاع و سازگاری میان دشمنان و جایگزینی صلح میان آن‌هاست و در شریعت عقدی است که برای رفع منازعه و سازگاری حاصل می‌شود و در اصطلاح عبارت است از توافق و سازش میان دو یا چند نفر بر ایجاد چیزی میان خودشان، از قبیل تملک عین مال یا منفعت آن و یا نقل حقی و یا اسقاط آن و یا ابراء دینی و غیر آن. خواه به‌طور رایگان و یا در ازای گرفتن عوض (منهاج الصالحین، خوبی، ج ۲، ص ۱۹۲) (فقه المعاملات، ج ۱، ص ۴۸۷). جمعی از فقها صلح را به عقدی که برای رفع نزاع میان دو یا چند نفر تشریح شده تعریف کرده‌اند. (الفقه

المنهجي، ج ۳، باب الصلح، ص ۱۶۹) (قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۱۷۲) (شرائع الاسلام، ج ۲، ص ۳۶۷). مقوله صلح و باب صلح در فقه اسلامی با تمام جزئیات نشان از توجه اسلام به پرهیز از تنش و منازعه و رسیدن به آرامش میان مردمان است به گونه ای که قرآن صلح را نیکوترین راه حل می داند علی الخصوص با توجه به مسائل و مصائب امروز جهان اسلام اهمیت این امر مهم دوچندان می گردد. با توجه به شرح برخی از معانی وحدت ساز به این نتیجه می رسیم که یکی از مقاصد ضروری شریعت، رسیدن به سلم و دوستی و همدردی و همدلی بین انسان هاست، طوری که پیامبر رحمت للعالمین می باشد و برنامه اسلام باید در این راستا پیش برود و اگر غیر آن باشد قطعاً مقصد شریعت تحقق پیدا نکرده است. توجه و برگشت به فرهنگ و ارزش های اسلامی؛ همدلی و همدردی اسلامی و پرهیز از تنش ها و منازعات را به ارمغان می آورد و یکی از راه های رسیدن به وحدت اسلامی بازگشت به این اصل مهم است.

با توجه به آنچه گفته آمد برای رسیدن به صلحی پایدار و همه جانبه و دوری از هرگونه تنش که منجر به تشنج و بحران می گردد؛ لازم است که آحاد جامعه تلاشی مستمر و منسجم را بیاغازند و دست به کاری بزنند که پایان بخش منازعات و بستر ساز هم دردی و همدلی گردد.

نتیجه گیری :

- ۱- همدردی و همدلی حلقه مفقوده تحقق همگرایی و اتحاد است.
- ۲- برای رسیدن به این مهم باید از من بگذریم و ما شویم.
- ۳- برای ما شدن باید به قرآن و سنت برگردیم و آنها را چراغی بر فراز راه دین و دعوت قرار دهیم تا در پرتو آموزه های آنها خود به آرامش و صلح درونی برسیم و منادی صلح و وحدت برای دیگران باشیم.
- ۴- صلح و آرامش از منظر دین مبین اسلام یک اصل و قاعده می باشد و جنگ و نزاع یک استثناء است که تنها در زمان ضرورت و برای هموار ساختن راه دعوت و تبلیغ دین از آن استفاده می شود.
- ۵- توحید و همگرایی در تعاریف هم دردی و همدلی و صلح و نزاع و... می تواند آسان کننده تحقق اتحاد در میان لایه های مختلف اجتماعی باشد.

۱- نکته آخر اینکه بقول علامه کاشف الغطاء اساس وحدت امت اسلامی عبارت است از

کلمه توحید و توحید کلمه .

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. ابن عبدربه احمد، العقد الفريد، به كوشش عبدالمجيد ترحيني، بيروت، دارالكتب العلميه.
۳. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ ش)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
۴. ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن الحسن، محقق حلی (۱۴۰۹ ق)، شرايع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام؛ مع تعليقات صادق الشيرازي، تهران، نشر استقلال.
۵. راغب اصفهانی، تحقیق داودی، صفوان عدنان (۱۴۱۲ ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، بیروت، دار العلم دار الشامیه، چاپ اول.
۶. العلامه المجلسی (۱۴۰۳۸ هـ)، بحار الأنوار، دارالكتب الاسلاميه.
۷. محمد باقر حکیم (۱۳۸۳ ش)، منهاج الصالحين، قم، ناشر دارالهلال.
۸. محمد بن یعقوب کلینی (۱۳۷۷)، الکافی، انتشارات الاسلامیه، ترجمه و شرح جواد مصطفوی، تهران: گلگشت، ۱۳۷۷.
۹. مصطفی سعید الخن - مصطفی البغا - علی الشریجی، الفقه المنهجي علی مذهب الإمام الشافعي، دمشق، دارالقلم.
۱۰. مهیار، رضا، (۱۳۷۰ ش) فرهنگ أبجدی عربی - فارسی، ترجمه المنجد الابجدی، مؤلف فواد افرام البستانی، تهران، نشر اسلامی.
۱۱. ناصر مکارم شیرازی (۱۳۸۳ ش)، اسلام و کمک‌های مردمی، قم، نشر نسل جوان، چاپ اول.
۱۲. ناصر مکارم شیرازی (۱۳۸۷)، تفسیر نمونه، تهران، دارالكتب الاسلاميه.
۱۳. ناصر مکارم شیرازی (۱۳۷۷ ش)، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب علیه السلام.
۱۴. نوری، حسین بن محمدتقی، (ق ۱۳۲۰ - ۱۲۵۴) مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل / تالیف میرزا حسین النوری الطبرسی؛ قم، تحقیق موسسه آل‌البيت علیهم سلم لاحیاء التراث، قم.

